یادداشت

سگ‌های ولگرد را به‌روش انسانی کنترل کنید

غلامرضا مسکنی

معضل سگ‌های ولگرد در گوشه و کنار هر شهری به یکی از دغدغه‌های هر روزه خانواده‌ها برای حفظ جان شهروندان خصوصاً کودکان تبدیل شده‌است. مرگ دلخراش کودک چهار ساله روز چهارشنبه هفته گذشته در شهرک دامشهر قم بر اثر حمله چند قلاده سگ ولگرد که گردن او را زخمی کرده‌بودند و مرگ پسر بچه شش ساله دیگری در همان محل به فاصله دو روز آن هم بر اثر حمله سگ‌های ولگرد نمونه‌هایی از حادثه‌های دلخراشی هستند که قلب هر شنونده‌ای را به شدت به درد آورد. افزایش روز به روز جمعیت سگ‌های ولگرد در سایه غفلت مسئولان زنگ خطری است که برای سلامتی مردم به صدا در آمده‌است و چنانچه به صورت فوری چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود، حتماً شاهد حوادث دیگری از این قبیل خواهیم بود.

اگر گذری به پارک‌ها و بوستان‌های کوچک و بزرگ داخل شهر یا جنگلی و کوهستانی داشته‌باشیم گله‌گله سگ‌های ولگردی را می‌بینی که گاهی جمعیت آنها از تعداد افرادی که برای تفریح به آن پارک‌ها مراجعه کرده‌اند، بیشتر است. سگ‌هایی که هر چند آرام و بی‌آزار به نظر می‌رسند، اما گاهی یک بیماری یا یک شرایط خاصی که دور از چشمان ما است، باعث می‌شود ناگهان حادثه دردناکی همچون حادثه‌های شهرک دامشهر قم رقم بخورد. مدتی قبل کلیپی در فضای مجازی منتشر شد که سگ ولگردی به کودکی خردسال هنگام دوچرخه‌سواری در یکی از خیابان‌های خلوت شهر آستانه اشرفیه در گیلان حمله‌ور شد و اگر مرد رهگذری فریادهای کمک‌خواهی او را نمی‌شنید، حتماً کودک خردسال در چنگال‌های سگ ولگرد جان باخته بود.

از سوی دیگر سگ و فرهنگ نگهداری از آن از دیر باز در ایران مورد توجه بوده‌است و سگ‌های نگهبان که وظیفه محافظت از اموال را به عهده داشتند، در روستاها از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار بودند و هنوز هم جایگاه خود را در بین مردم دارند. البته هر سگی هم صاحبی داشت که وظیفه مراقبت و نگهداری از آن را بر عهده داشت و اگر همین سگ نگهبان هم به بیماری مبتلا می‌شد و قابل درمان نبود و نگهداری آن برای جان انسان یا حتی محیط‌زیست خطرناک بود، از سوی صاحبش به روشی معقول معدوم می‌شد، اما سؤالی که اکثر مردم و به خصوص افرادی که سگ‌های ولگرد در نزدیکی محل زندگی‌شان به فراوانی دیده می‌شود، از مسئولان دارند، این است که متولی سگ‌های ولگرد چه نهاد یا سازمانی است و آیا شهرداری‌ها که گفته می‌شود متولی ساماندهی این حیوانات هستند، فارغ از هر جنجالی به وظیفه خود عمل کرده‌اند با بروز و تکرار این حوادث، جواب این پرسش منفی است.

البته ناگفته نماند که مردم ایران به خاطر فطرت مهربانی و حیوان‌دوستی که دارند در وظایف دستگاه‌های مربوطه دخالت می‌کنند؛ مثلاً افرادی که خود را حامی حیوانات می‌دانند در پارک‌ها و کوچه و خیابان‌ها به سگ‌های ولگرد غذا می‌رسانند و به گمان اینکه کار انسان‌دوستانه‌ای را انجام داده‌اند، باعث افزایش جمعیت این حیوانات و تجمع‌شان در آن محل می‌شوند. در صورتی که عمل غذارسانی به حیوانات ولگرد در برخی کشورها جرم‌انگاری شده و با این افراد برخورد قانونی می‌شود. به گفته کارشناسان سگ‌های ولگرد وقتی امنیت غذایی‌شان فراهم شود، رغبت به زاد و ولدشان بیشتر می‌شود، بنابراین لازم است افراد حیوان‌دوست به این موضوع توجه و این کار را به متولیان امر واگذار کنند تا به گفته کارشناسان هر ساله شاهد افزایش ۲۰ درصدی سگ‌های ولگرد نباشیم.

همچنین کشتار گروهی سگ‌های ولگرد موضوع منسوخ شده و زجرآوری است که از سوی هیچ فردی تجویز نمی‌شود، اما عقیم‌سازی و رهاسازی این حیوانات برای کنترل جمعیت آنها و واکسینه کردن برای مبارزه با بیماری‌های واگیردار و خطرناک، دو شیوه‌ای است که در بعضی کشورها برای کنترل و ساماندهی سگ‌های ولگرد استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد مسئولان مربوطه به آن توجه زیادی نکرده‌اند یا اینکه با برنامه‌ریزی دقیق و به صورت مداوم و یکپارچه در تمام نقاط انجام نشده‌است. انتظار می‌رود مسئولان در کنار استفاده از تجربیات موفق کشورهای دیگر در کنترل جمعیت این حیوانات، موضوع آموزش به شهروندان را هنگام مواجهه با حمله سگ‌های ولگرد و هم هنگام دلسوزی در مقابل این حیوانات مورد توجه قرار دهند تا کمتر شاهد حوادث دلخراش این‌چنینی باشیم.

وزیر کشور: دولت کنار زلزله‌زدگان خواهد ماند

تلاش دولت در دومین روز از وقوع زمین‌لرزه در استان هرمزگان با امدادرسانی به حادثه‌دیدگان ادامه پیدا کرد. وزرای کشور و بهداشت با حضور در مناطق آسیب‌دیده به مردم اطمینان دادند دولت کنار مردم حادثه‌دیده خواهد ماند. در جریان زمین‌لرزه ۶/۳ ریشتری بامداد شنبه، پنج نفر کشته و ۱۱۱ مجروح شدند.

احمد وحیدی، وزیر کشور که تلاش مجاهدانه‌اش در آواربرداری حادثه متروپل، تحسین عمومی را به همراه داشت پیش از اینکه در مناطق آسیب‌دیده حاضر شود در تماس با استاندار هرمزگان از میزان خسارت‌های وارد شده باخبر و سپس در مناطق زلزله‌زده حاضر شد. وزیر کشور در روستای ۳۰۰خانواری سایه‌خوش بندرخمیر که در جریان حادثه تقریباً ویران شده و پنج نفر از اهالی‌اش را از دست داده، حاضر شد و به اهالی اطمینان داد دولت در کنار مردم حادثه‌دیده خواهد ماند. او صبح روز گذشته هم در تماس با مدیران استانی، دستورهای لازم برای رسیدگی به مشکلات مردم را صادر کرد. عین‌اللهی، وزیر بهداشت هم با حضور در محل، بیدار بودن ساکنان هنگام وقوع زلزله و خروج سریع آنان از منازل را عامل جلوگیری از مرگ و میر فزاینده دانست و گفت که خدمات بهداشتی و درمانی در دسترس است و کارکنان بهداشت و درمان و فوریت‌های پزشکی در حال خدمت‌رسانی به مردم منطقه هستند. روز گذشته مختار سلحشور، مدیرعامل جمعیت هلال احمر که در روستای سایه‌خوش حضور داشت، گفت: امدادگران همزمان با وقوع حادثه در محل حاضر شدند و بعد از عملیات جست‌وجو و نجات، فعالیت توزیع اقلام زیستی بین زلزله‌زدگان را شروع کردند. وی ادامه داد: کار نصب چادر و اسکان موقت زلزله‌زدگان روستای سایه‌خوش آغاز شده و قرار است ۳۰۰خانوار ضمن اسکان در چادرهای امدادی، اقلام زیستی، به‌ویژه مواد اولیه و غذا بین آنان توزیع شود. وی ادامه داد: تمامی راه‌های ارتباطی برقرار است و آواربرداری و عملیات خدمات‌رسانی در حال انجام است، اما برق پنج روستا قطع است که دستگاه‌های خدمات‌رسان در تلاش برای اتصال مجدد آن هستند.

استاندار هرمزگان گفت: راه‌ها در طول مسیر از بندرعباس تا بندرلنگه آسیب دیده‌اند و نشست‌ها و ترک‌های پل‌ها را نیز شاهد هستیم، از مردم می‌خواهیم از تردد در مسیرهای بین‌شهری خودداری کنند. مهرداد حسن‌زاده، مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان هم گفت: آواربرداری ۱۴ روستای زلزله‌زده غرب هرمزگان آغاز شده است. ۲۱ روستا بررسی و پایش شدند و در حال حاضر آواربرداری در روستای سایه‌خوش، کانون زمین‌لرزه، به‌صورت شبانه‌روزی انجام می‌شود. دکتر فاطمه نوروزیان، سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان نیز اظهار داشت: شمار قربانیان حادثه پنج نفر است، اما آمار مصدومان به ۱۱۱ نفر افزایش یافت که خوشبختانه وضع هیچ کدام وخیم نیست.

سرقت میوه از باغ‌ها با وانت امانتی

آرمین بینا

زن و شوهر جوانی که با امانت گرفتن خودروی وانتی، میوه‌های باغ‌های تهران را سرقت می‌کردند، در آخرین دزدی در دام نگهبان باغ گرفتار شدند.

به گزارش «جوان»، چندی قبل مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از سرقت میوه‌های باغش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «باغ بزرگی در حوالی فشم دارم و پایان هر هفته همراه خانواده‌ام به آنجا می‌روم. مدتی است نگهبان باغم تسویه کرده‌است و باغم نگهبان ندارد و از طرفی هم درختان باغم پر از میوه بود و به همین خاطر سعی می‌کردم هر چند روز یک‌بار برای مراقبت از میوه‌ها به باغم بروم. امروز وقتی وارد باغم شدم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم و دیدم همه میوه باغم به سرقت رفته‌است.»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران پلیس با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت سارق یا سارقانی به باغ‌های میوه‌ای که نگهبان ندارند، دستبرد می‌زنند و تمامی میوه را سرقت می‌کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مردی با مأموران پلیس تماس گرفت و گفت سارقان داخل باغی که او نگهبان آنجا است، در حال سرقت میوه‌های باغ هستند. او گفت در را روی آنها قفل کرده‌است تا مانع فرارشان شود. پس از اعلام این خبر مأموران بلافاصله راهی محل شدند و سارقان را که زن و شوهر جوانی بودند، دستگیر کردند.

نگهبان باغ گفت: «چند روز قبل برای شرکت در مراسم عزاداری راهی شهرمان شدم و وقتی امروز به باغ برگشتم دیدم خودروی وانتی داخل باغ پارک است و زن و مردی هم در حال چیدن میوه‌ها هستند. من از قبل شنیده‌بودم که سارقانی به میوه‌های باغ این منطقه دستبرد می‌زنند که با دیدن این صحنه در را روی آنها قفل کردم و به پلیس خبر دادم.»

زوج جوان پس از انتقال به اداره پلیس به سرقت‌های سریالی میوه‌های باغ‌ها اعتراف کردند.

مرد جوان گفت: «مدتی قبل برای خرید میوه به میوه‌فروشی رفتم و با قیمت‌های سرسام‌آور میوه روبه‌رو شدم. همان روز اولین جرقه سرقت میوه به ذهنم رسید و وقتی به خانه رفتم با همسرم مشورت کردم و از او خواستم با هم به باغ‌های اطراف تهران برویم و میوه آنجا را سرقت کنیم. ابتدا همسرم موافقت نکرد، اما وقتی گفتم با سرقت میوه‌ها خیلی زود پولدار می‌شویم، همسرم وسوسه شد و قبول کرد. ما خودروی یکی از بستگانمان را امانت می‌گرفتیم و به باغ‌هایی که نگهبان نداشت، می‌رفتیم و میوه‌های آنجا را می‌چیدیم و بعد می‌فروختیم.»

تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

اعتراف به قتل زن تنها در باغ گیلاس

فاطمه صبور

مردی که متهم است با همدستی دو پسر نوجوان، زن تنها را در یکی از باغ‌های شهرستان شهریار به قتل رسانده‌اند در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند.

به گزارش جوان، پنجم اردیبهشت سال ۱۴۰۰، زن میانسالی به اداره پلیس شهرستان شهریار رفت و به مأموران گفت، دخترش گم شده و چند روزی است که از او خبر ندارد. آن زن در توضیحاتش گفت: «دخترم رؤیا نام دارد. او مدتی قبل از شوهرش جدا شده، به همین خاطر خانه‌ای مستقل اجاره کرد و تنها زندگی می‌کرد. بعد از مدتی فهمیدم رؤیا با افراد غریبه رفت و آمد دارد. نگرانش بودم و مدام او را نصیحت می‌کردم، اما اهمیتی به حرف‌هایم نمی‌داد تا اینکه چند روز قبل هر چقدر با او تماس گرفتم پاسخی نداد. از نگرانی به خانه‌اش رفتم، اما در خانه هم نبود. احتمال می‌دهم برایش اتفاق بدی افتاده باشد.»

با طرح این شکایت، تحقیقات برای پیدا کردن زن جوان آغاز شد تا اینکه با ردیابی تلفن همراهش مشخص شد او آخرین بار با سه پسر تماس تلفنی داشته است.

به این ترتیب سه پسر به نام‌های آرش، بردیا و داریوش بازداشت شدند. آنها تحت بازجویی قرار گرفتند، اما سعی داشتند با تناقض‌گویی‌هایشان پلیس را گمراه کنند تا اینکه لب به اعتراف گشودند و به قتل زن جوان در باغی در شهریار اعتراف کردند.

با اقرار متهمان، پرونده‌ای با موضوع قتل عمد تشکیل شد و ابتدا آرش ۱۷ ساله تحت بازجویی قرار گرفت. او گفت: «سال‌هاست ما سه نفر با هم دوست هستیم و مدتی قبل با رؤیا آشنا شدیم. چند بار با او تماس تلفنی داشتیم که فهمیدیم در خانه‌اش تنها زندگی می‌کند که تصمیم گرفتیم از او سرقت کنیم. چند بار برای تفریح بیرون رفتیم تا اینکه روز حادثه که با دوستانم به باغ گیلاس در شهریار رفته بودیم با رؤیا تماس گرفتیم و او را به باغ دعوت کردیم. وقتی به باغ آمد، فهمید قصد داریم طلاهایش را سرقت کنیم که به درگیری کشید و در آن درگیری او شروع به داد و فریاد کرد. رؤیا می‌خواست آبروریزی کند، ولی ما سعی کردیم او را آرام کنیم، اما دست‌بردار نبود. این شد که من و بردیا دست و پای او را گرفتیم و داریوش نیز دهانش را گرفت تا ساکت شود که به یک‌باره متوجه شدیم نفس نمی‌کشد.»

متهم ادامه داد: «باور کنید قصد کشتن او را نداشتیم و فقط می‌خواستیم او سروصدا نکند، ولی این حادثه اتفاق افتاد. بعد از قتل از ترس، جسد را در همان باغ دفن کردیم و گریختیم.»

بعد از ثبت این اظهارات، بردیا و داریوش نیز تحت بازجویی قرار گرفتند و هر دو اظهارات دوستشان را تأیید کردند.

با اقرارهای سه متهم، مأموران به محل دفن جسد رفتند و بعد از کشف بقایای جسد، آن را به پزشکی قانونی منتقل کردند.

به این ترتیب آرش و بردیا که زیر ۱۸ سال سن داشتند به کانون اصلاح و تربیت منتقل و داریوش نیز راهی زندان شد. پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا متهمان بعد از تعیین وقت رسیدگی مقابل هیئت قضایی شعبه هفتم دادگاه از خودشان دفاع کنند. این در حالی است که اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کرده‌اند.

یادداشت

شلیک به اعتماد عمومی

حسین فصیحی

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط اجتماعی در زمینه مشارکت میان اعضای جامعه است. در سایه اعتماد است که فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رونق می‌گیرد و روابط اجتماعی تحکیم و مشارکت‌های عمومی حاصل می‌شود. در سایه اعتماد عمومی است که نظام سیاسی پایدار می‌ماند و مشروعیت پیدا می‌کند. وقتی اعتماد عمومی قوام پیدا می‌کند، مردم انتظار دارند سازمان‌های دولتی به وظایف خود به درستی عمل کنند و به انتظارات مردم پاسخ دهند. از دیگر سو، خدشه به اعتماد عمومی، پیامدهای ناگواری برای جامعه به دنبال دارد. مشارکت‌های عمومی برای ایجاد نظام سیاسی و اداری به شدت کاهش می‌یابد و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به دشواری انجام می‌شود. رویدادهای ناگواری مثل آوار شدن ساختمان متروپل، سرقت از صندوق امانات بانک ملی و این روزها تقلب در کنکور اعتماد عمومی به سازمان‌های مسئول را به شدت کاهش داده‌است. فاجعه متروپل به دلیل فساد در شهرداری و نظام مهندسی و سرقت از صندوق‌های امانات بانک ملی به دلیل بی‌توجهی بانک در حفاظت از اموال عمومی و تقلب در کنکور سراسری به دلیل کوتاهی سازمان سنجش در انجام وظایف قانونی انجام گرفت. شهرداری‌ها نهادهای خدماتی هستند که وظیفه ارائه خدمات شهری به همه شهروندان را به عهده دارند. بی‌اعتمادی شکل گرفته به این سازمان ابهام را در ارائه خدمات درست شایع کرده‌است. بی‌اعتمادی به صندوق‌های امانات بانک‌ها بعد از سرقت بزرگ از بانک ملی در جامعه شیوع پیدا کرد و عمده‌ترین پرسش مطرح شده این شد که اگر به صندوق امانات بانک نشود اعتماد کرد، پس به کجا می‌شود اعتماد کرد؟ این روزها در مورد شائبه تقلب صورت گرفته در کنکور هم این موضوع مطرح است. خانواده‌ها با هزاران امیدواری برای آینده فرزندانشان سرمایه‌گذاری کرده‌اند، اما ناگهان انتشار خبر بروز تقلب در کنکور روان جامعه را ویران می‌کند و این پرسش را مطرح می‌کند که چرا سازمانی که وظیفه صیانت از سؤالات و برگزاری درست آزمون را به عهده دارد باید با چنین رسوایی مواجه شود؟ اسفبارتر اینکه مدیران هر بخش به جای اینکه پذیرا باشند، تخلف در سازمان‌شان روی داده‌است و از مردم عذرخواهی کنند و از مقام خود کنار بروند، یا نسبت به تخلف بی‌تفاوت می‌مانند یا درصدد توجیه یا تفسیر آن بر می‌آیند. این روزها با گسترش فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی رویدادها غیرقابل پیش‌بینی شده‌اند و از آنجا که در سالیان اخیر جامعه دستخوش تحولات فرهنگی و اجتماعی اساسی شده، این رسانه‌ها قادرند رویدادها را بنا به فراگیری که دارند، منتشر کنند و در کسری از زمان جهان را تحت‌تأثیر قرار دهند و مشروعیت نظام اداری را به چالش بکشند.

دعوای خونین ۲ دستفروش بر سر جای بساط

دو پسر دستفروش در چهارراه گلوبندک تهران به خاطر جای بساط درگیری خونینی را رقم زدند.

به گزارش جوان، ساعت ۱۶:۳۰ عصر روز شنبه ۱۱ تیر، قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۳ بازار از قتل پسر جوانی در یکی از خیابان‌های اطراف بازار تهران باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

بررسی‌های تیم جنایی در محل حادثه نشان داد ساعتی قبل دو پسر ۲۹ و ۲۱ ساله به نام‌های بهزاد و فرامرز که هر دو دستفروشی می‌کردند به‌خاطر جای بساط با هم درگیر می‌شوند که با میانجیگری رهگذران و کاسبان محل، درگیری آنها پایان می‌یابد، اما دقایقی قبل دو پسر جوان برای دومین بار با هم درگیر می‌شوند که این‌بار فرامرز با یک ضربه چاقو، بهزاد را زخمی و به سرعت از محل فرار می‌کند. رهگذران با دیدن این صحنه همزمان با درخواست کمک از اورژانس، ضارب را تعقیب و چند خیابان آن طرف‌تر دستگیر می‌کنند و تحویل مأموران کلانتری بازار می‌دهند. پسر زخمی هم قبل از رسیدن به بیمارستان بر اثر خونریزی شدید فوت می‌کند.

اعتراف به قتل دوست

قاتل صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد. وی با اظهار پشیمانی به قتل دوستش اعتراف کرد و در ادعایی گفت: «من و بهزاد با هم دوست و همشهری بودیم که مدتی قبل برای کار به تهران آمدیم. معمولاً ما هر دو در نزدیکی بازار بساط دستفروشی‌مان را پهن می‌کردیم و به‌خاطر رفت و آمد مردم، کاسبی‌مان هم خوب بود. بهزاد لباس و شلوار می‌فروخت و من هم شال زنانه می‌فروختم. ما هیچ مشکلی با هم نداشتیم و سعی می‌کردیم همیشه به هم کمک کنیم، اما روز حادثه به‌خاطر جای بساط با هم درگیر شدیم.»

وی در حالی که گریه می‌کرد، ادامه داد: «روز حادثه وقتی به محل همیشگی که بساط می‌کردم، رسیدم دیدم بهروز بساطش را آنجا پهن کرده است. به او اعتراض کردم و گفتم چرا جای بساط من بساطت را پهن کرده‌ای و از او خواستم بساطش را جمع کند. او به اعتراض من توجهی نکرد و همین موضوع باعث مشاجره لفظی ما شد که با هم درگیر شدیم، اما کاسب‌های محل و دستفروشان دیگر میانجیگری کردند و درگیری ما هم پایان یافت. من از اینکه او جای بساط مرا گرفته بود، خیلی عصبانی بودم و به همین خاطر ساعتی بعد دوباره به او اعتراض کردم و این‌بار درگیری ما بالا گرفت که با چاقو ضربه‌ای به او زدم. من قصد قتل نداشتم و فقط می‌خواستم او را بترسانم، اما اشتباه کردم و الان خیلی پشیمانم.»

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۵۸

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان ۸۸۴۹۸۴۷۶

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۲۰۶SD-TU۵ مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۸۸-۹۳۴و۶۲ و شماره موتور ۱۶۳B۰۰۹۴۶۹۲ و شماره شاسی NAAP۴۱FD۶EJ۶۸۰۹۴۰ متعلق به آقای شهباز گرجاسی ورزقانی با کد ملی ۵۴۵۹۸۰۳۷۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. الف ل

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سایپا SAINA مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید و شماره پلاک ۸۵۳د۱۴۶ ایران ۷۸ و شماره موتور M۱۵/۹۵۷۰۸۱۸ و شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰N۵۷۸۵۹۴۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

آگهی تحدید و حدود اختصاصی

نظر به اینکه تحدید و حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور به شماره ۳۷۱ فرعی مفروز و مجزا شده از ۷۶ اصلی به مساحت ۳۶۴۷ مترمربع به آدرس روستای هاله واقع در بخش عسلویه تحت مالکیت عبداله محمدی فرزند یوسف تاکنون به عمل نیامده است فلذا طبق ماده ۱۴ قانون ثبت تحدید حدود پلاک مرقوم روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ رأس ساعت ۸ صبح در محل، شروع و به عمل خواهد آمد. بدین وسیله از مالکین و مجاورین دعوت می‌شود در موعد مقرر در محل حاضر تا طبق مقررات نسبت به تحدید حدود پلاک مزبور نظارت فرمایند و اعتراض و حقوق ارتفاقی و حدود آن مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز خواهد شد که بایستی کتباً به اداره ثبت عسلویه تسلیم و رسید عرضحال دریافت نماید. ضمناً معترض از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت یک ماه فرصت خواهد داشت که دادخواست خود را به دادگاه صالحه تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به اداره ثبت ارائه نماید.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۴/۱۳
یعقوب محمدی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عسلویه

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض آقای توکل مزارزائی‌پور به‌شماره شناسنامه ۱۱۰۳ به شماره ملی ۲۲۶۹۰۳۴۲۱۱ صادره از علی‌آباد فرزند احمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۹۲۰ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۸۳،۴۳ مترمربع از پلاک شماره ۵ اصلی واقع در اراضی نومل بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رأی صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رأی صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۳/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۴/۱۳
حجت‌الله تجری - رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۱۶۷۰ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۴۶۳ تقاضای محمد تولائی به شماره شناسنامه ۲۷۱۷ و کد ملی ۰۴۹۲۶۶۰۵۷۳ صادره از شهرری فرزند منصور در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به‌مساحت ۴۱۸/۱۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۲۶ اصلی واقع در اراضی گلند بخش دوحوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی محمدحسین شهرآبادی به متقاضی دارد لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۳/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۴/۱۳
برقی - رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۱۶۰۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۸۹۳ تقاضای خانم سکینه بائی به شماره شناسنامه ۳۲۹۵ و کد ملی ۲۲۴۸۹۵۸۲۲۶ صادره از شهر کردکوی فرزند قاسم در شش‌دانگ اعیانی یک باب ساختمان به انضمام شش سهم از هفت سهم شش‌دانگ عرصه که مابقی آن وقف است به‌مساحت ۱۰۰/۷۹ مترمربع از پلاک ۲۶۷-اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رأی صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی آقای ابوطالب کردی به متقاضی دارد لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۱/۳/۲۸
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۱/۴/۱۳
برقی - رییس اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان